

The Title of paper Structural Equation Modeling of Teachers' Psychological Well-being Based on Creative Self-Efficacy with the Mediating Role of Sense of Coherence

Afsaneh Mohammadi¹| Esmat Hasanpour²✉

1. Master in educational psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: afsan.arsha47@gmail.com

2. Assistant Professor of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: ehasanpour5@pnu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<p>Psychological well-being, as one of the pillars of teachers' mental health, is influenced by various factors, including creative self-efficacy and sense of coherence. Therefore, this study aimed to perform structural equation modeling of teachers' psychological well-being based on creative self-efficacy with the mediating role of sense of coherence. This descriptive-correlational study utilized structural equation modeling. The statistical population consisted of all female middle school teachers in District 2 of Sanandaj's Department of Education during the 2022-2023 academic year. A sample of 162 individuals was selected via simple random sampling. Data were collected using Ryff's Psychological Well-Being Questionnaire (1989), Lee's Creative Self-Efficacy Scale (2008), and Antonovsky's Sense of Coherence Scale (1993). Data analysis was performed using descriptive and inferential statistics (structural equation modeling) with SPSS-25 and AMOS-24 software. The results indicated that the proposed model of teachers' psychological well-being based on creative self-efficacy with the mediating role of sense of coherence had an acceptable fit ($X^2/df = 1.96$, $GFI = .873$, $IFI = .922$, $CFI = .92$, $RMSEA = .077$). There was a significant positive relationship between creative self-efficacy and sense of coherence ($\beta = .87$, $p < .05$), between creative self-efficacy and psychological well-being ($\beta = .50$, $p < .05$), and between sense of coherence and psychological well-being ($\beta = .23$, $p < .05$). Furthermore, the results confirmed the significant mediating role of sense of coherence in the relationship between creative self-efficacy and teachers' psychological well-being ($p < .001$). The findings of this study highlight the importance of strengthening creative self-efficacy and sense of coherence to enhance teachers' psychological well-being. Accordingly, fostering psychological skills such as creative self-efficacy and sense of coherence can be considered an effective strategy for improving teachers' psychological well-being.</p>
Article history: Received: 14 October 2025 Received in revised form: 15 November 2025 Accepted: 11 December 2025 Published online: 21 December 2025	
Keywords: Psychological Well-being, Creative Self-efficacy, Sense of Coherence, Structural Equation Modeling (SEM), Teachers, Mental Health	

Cite this article: Afsaneh Mohammadi, Esmat Hasanpour. (2025). Structural Equation Modeling of Teachers' Psychological Well-being Based on Creative Self-Efficacy with the Mediating Role of Sense of Coherence, *Journal of Creative and Effective Education*, 1(3), 51-70.

DOI: 10.22111/cee.2026.54568.1021



مدل یابی معادلات ساختاری بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام

افسانه محمدی^۱ | عصمت حسن پور^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: afsan.arsha47@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: ehasanpour5@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بهزیستی روانشناختی به عنوان یکی از ارکان سلامت روان معلمان، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. که از جمله این عوامل خودکارآمدی خلاق و حس انسجام می باشد. بنابراین این پژوهش با هدف مدل یابی معادلات ساختاری بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام انجام شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۲	پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل معلمان زن متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه دو شهر سمنان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود؛ که ۱۶۲ نفر با روش نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شده اند.
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۸/۲۴	برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹)؛ خود کارآمدی خلاق لی (۲۰۰۸) و حس انسجام آنتونوسکی (۱۹۹۳) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با آماره های توصیفی و استنباطی مدل یابی معادلات ساختاری با نرم افزارهای SPSS25 و AMOS24 انجام گرفت.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۳۰	نتایج نشان داد مدل بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام از برازش قابل قبولی برخوردار است ($GFI=0/873$, $X^2/Df=1/96$).
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۹/۳۰	به طوری که $CFI=0/92$, $IFI=0/922$ و $RMSEA=0/077$. به طوری که بین خودکارآمدی خلاق و حس انسجام رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta=0/87$, $p<0/05$). بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta=0/50$, $p<0/05$). بین حس انسجام و بهزیستی روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta=0/23$, $p<0/05$) و حس انسجام رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی نقش میانجی دارد ($p<0/001$).
واژه های کلیدی: بهزیستی روان شناختی، خودکارآمدی خلاق، حس انسجام، مدل سازی معادلات ساختاری، معلمان، سلامت روان	نتایج این پژوهش تقویت خودکارآمدی خلاق و حس انسجام را برای بهبود بهزیستی روان شناختی معلمان برجسته می کند و تقویت مهارت های روان شناختی نظیر خودکارآمدی خلاق و حس انسجام می تواند به عنوان راهکاری مؤثر در بهبود ک بهزیستی روان شناختی معلمان مورد توجه قرار گیرد.

استناد: محمدی، افسانه؛ حسن پور، عصمت. (۱۴۰۴). مدل یابی معادلات ساختاری بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با

نقش میانجی حس انسجام. آموزش خلاق و اثربخش، ۱ (۳)، ۷۰-۵۱.

DOI: 10.22111/cee.2026.54568.1021

۱- مقدمه

در چند دهه اخیر، نظام‌های آموزشی جهان با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده‌اند؛ از تحولات سریع فناوریانه و تنوع نیازهای یادگیرندگان گرفته تا فشارهای فزاینده برای پاسخگویی و بهبود نتایج تحصیلی (زیوری رحمان؛ ۲۰۲۵). در مرکز این طوفان تحولات، معلم قرار دارد که نه تنها به عنوان انتقال‌دهنده دانش، بلکه به عنوان محور اصلی خلق جو عاطفی-اجتماعی کلاس درس، تسهیل‌کننده رشد همه‌جانبه دانش‌آموز و مهم‌تر از همه، به عنوان یک انسان در معرض استرس‌های مزمین شغلی عمل می‌کند (کورل و وارواس؛ ۲۰۲۰). پژوهش‌ها به طور فزاینده‌ای نشان می‌دهد که سلامت و بهزیستی روان‌شناختی معلمان به عاملی تعیین‌کننده در کیفیت تعاملات آموزشی، اثربخشی تدریس و حتی سلامت روان دانش‌آموزان تبدیل شده است (زی و کومن؛ ۲۰۱۶). یک معلم که خود در چالش فرسودگی شغلی، فرسایش انگیزه و استرس مداوم غرق باشد، به ندرت می‌تواند محیطی امن، پرورش‌دهنده و الهام‌بخش برای دانش‌آموزان خود خلق کند (درر؛ ۲۰۲۳). مطالعات به وضوح نشان می‌دهند که سلامت روانی بالا در معلمان با بهبود کیفیت آموزش، ایجاد فضای مثبت در کلاس و افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد، در حالی که اختلالاتی مانند اضطراب و افسردگی منجر به کاهش تمرکز و افت عملکرد آموزشی می‌شود (جواهری مغانلو و همکاران، ۱۴۰۴). بنابراین، بررسی عواملی که می‌تواند سپر محافظتی در برابر این فشارها باشد و بهزیستی روان‌شناختی معلمان را تقویت کند، به یک ضرورت پژوهشی و عملی در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی مثبت‌نگر تبدیل شده است (ریف، ۱۹۸۹). در این میان، نقش منابع درونی روان‌شناختی معلمان که به آنان توانایی می‌بخشد تا نه تنها در برابر فشارها مقاومت کنند، بلکه در این فرآیند رشد نیز بکنند، بسیار حائز اهمیت است (آنتونوسکی، ۱۹۸۷). این پژوهش با تمرکز بر دو منبع درونی کلیدی یعنی خودکارآمدی خلاق و حس انسجام، در پی تبیین الگویی است که چگونگی تأثیر این منابع بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان را روشن می‌سازد.

بهزیستی روان‌شناختی به عنوان متغیر پیامد این پژوهش، مفهومی فراتر از نبود بیماری روانی یا تجربه‌ی صرف هیجانات مثبت است (ریف، ۱۹۸۹). بر اساس مدل نظری ریف (۱۹۸۹)، بهزیستی روان‌شناختی یک سازه چندبعدی است که نشانگر شکوفایی و تحقق توانمندی‌های بالقوه فرد در تقابل با چالش‌های زندگی است. این سازه شامل شش بُعد به هم پیوسته است: خودمختاری (احساس استقلال و خودتعیین‌گری)، تسلط بر محیط (توانایی مدیریت مؤثر زندگی و جهان اطراف)، رشد شخصی (حساسیت نسبت به گسترش توانایی‌ها و بازبودن به تجربیات جدید)، روابط مثبت با دیگران (برقراری روابط عمیق و دوسویه)، هدفمندی در زندگی (داشتن اهداف و معنا در زندگی) و پذیرش خود (نگرش مثبت نسبت به خود و زندگی گذشته). در بافت حرفه معلمی، یک معلم با بهزیستی روان‌شناختی بالا، در تدریس خود احساس کارآمدی و کنترل می‌کند (تسلط بر محیط)، برای نوآوری در روش‌های آموزشی اشتیاق دارد (رشد شخصی)، با دانش‌آموزان و همکاران روابطی حمایت‌گر برقرار می‌کند (روابط مثبت)، معنا و ارزش عمیقی در کار خود می‌یابد (هدفمندی)، و در عین آگاهی از محدودیت‌ها، خود را به عنوان یک معلم می‌پذیرد (پذیرش خود) (ریف، ۱۹۸۹). تحقیقات داخلی نیز بر اهمیت این سازه تأکید کرده و نشان داده‌اند که بهزیستی روان‌شناختی معلمان با متغیرهای مهمی مانند اشتیاق شغلی و کیفیت تدریس مرتبط است (هداوند و همکاران، ۱۳۹۹). از این منظر، بهزیستی روان‌شناختی تنها یک نتیجه مطلوب نیست، بلکه یک شرط ضروری برای تدریس اثربخش و پایدار است (درر، ۲۰۲۳).

¹ Zivari Rahman

² Kurrle & Warwas

³ Zee, & Koomen

⁴ Dreer

در مقابل، **خودکارآمدی خلاق** به عنوان یک متغیر پیش‌بین اصلی، به باورهای فرد درباره توانایی‌اش برای تولید نتایج خلاقانه اشاره دارد (تیرنی و فارمر، ۲۰۰۲). این سازه که ریشه در نظریه شناختی-اجتماعی بندورا دارد، یک شکل حوزه-خاص از خودکارآمدی عمومی است (بندورا، ۱۹۹۷). معلمی که از خودکارآمدی خلاق بالایی برخوردار است، عمیقاً باور دارد که می‌تواند ایده‌های نو و مؤثری برای طراحی فعالیت‌های آموزشی، حل مشکلات انضباطی یا انگیزشی کلاس، و تطبیق محتوا با نیازهای متنوع یادگیرندگان خلق کند (ارشادی منش، ۲۰۲۵). این باورها صرفاً نگرش نیستند، بلکه به **کنش‌های واقعی** منجر می‌شوند: چنین معلمی با انگیزه بیشتری برای آزمایش روش‌های جدید پیش می‌رود، در مواجهه با موانع (مانند مقاومت دانش‌آموزان یا کمبود منابع) پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهد و چالش‌های تدریس را نه تهدید، بلکه فرصتی برای به‌کارگیری ظرفیت‌های خلاق خود می‌بیند (تیرنی و فارمر، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها حاکی از آن است که خودکارآمدی خلاق در معلمان، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای درگیر شدن در **رفتار تدریس خلاقانه** و انطباق با شرایط دشوار است (بیابانی و گرآوند، ۲۰۲۴). خلاقیت شغلی معلمان نیز با سلامت روان آنان مرتبط دانسته شده است (دارابی عمارتی و عاطفه حسنی، ۱۴۰۳). بنابراین، خودکارآمدی خلاق را می‌توان به عنوان **موتور محرک نوآوری و انطباق‌پذیری** در محیط پویای کلاس درس مفهوم‌سازی کردن کرد.

سومین سازه کلیدی این پژوهش، **حس انسجام** است که از نظریه **سلامت محوری** آنتونوووسکی سرچشمه می‌گیرد (آنتونوووسکی، ۱۹۸۷). این نظریه به جای تمرکز بر عوامل بیماری‌زا، بر **منابع مقاومت در برابر استرس** و حفظ سلامت تأکید دارد. حس انسجام یک **جهت‌گیری کلی نگرش** است که منعکس‌کننده میزانی است که فرد احساس می‌کند محرک‌های درونی و بیرونی محیط زندگی‌اش **قابل درک، قابل مدیریت و پرمعنا** هستند (آنتونوووسکی، ۱۹۸۷). مؤلفه **قابل درک بودن** به این احساس اشاره دارد که رویدادهای پیش‌رو، از جمله انتظارات شغلی، رفتار دانش‌آموزان و تغییرات نظام آموزشی، تا حدی ساختاریافته، قابل پیش‌بینی و توضیح‌پذیر هستند. مؤلفه **قابل کنترل بودن**، باور فرد به در دسترس بودن منابع لازم (داخلی مانند مهارت‌ها، یا بیرونی مانند حمایت همکاران) برای مواجهه با این خواسته‌ها است. مؤلفه **معنی‌دار بودن**، عمیق‌ترین لایه است و بیانگر این سرزنش است که این چالش‌ها و تلاش‌ها ارزش سرمایه‌گذاری انرژی و تعهد را دارند (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). برای یک معلم، حس انسجام بالا بدین معناست که وی فشارهای کاری را منسجم می‌بیند، احساس می‌کند توانایی تأثیرگذاری بر روند کار را دارد و به رغم تمام دشواری‌ها، کار تدریس را امری باارزش و معنادار می‌داند. این سازه به‌عنوان یک **منبع مقاومت عمومی**، استرس را تعدیل می‌کند و مسیر را برای تجربه بهزیستی هموار می‌سازد (جنی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

تحقیقات گسترده‌ای رابطه مثبت و نیرومند بین انواع خودکارآمدی (از جمله خودکارآمدی تدریس) و شاخص‌های بهزیستی و سلامت روان معلمان را تأیید کرده‌اند (زی و کومن، ۲۰۱۶؛ وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). به‌طور همزمان، مطالعات مبتنی بر نظریه آنتونوووسکی، ارتباط قوی حس انسجام را با سطوح پایین‌تر استرس شغلی، فرسودگی و علائم افسردگی و نیز سطوح بالاتر رضایت شغلی و تعهد در مشاغل مختلف، از جمله معلمی، نشان داده‌اند (باور و همکاران، ۲۰۲۰؛ اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). در تحقیقات داخلی هم دانش پایه و همکاران (۱۴۰۲) به تبیین مدل بهزیستی روان‌شناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی با میانجی‌گری سبک‌های شوخطبعی پرداخته‌اند؛ اکبری بیدگلی (۱۴۰۰) رابطه بین سلامت روان و خلاقیت شغلی معلمان را تأیید کرده‌اند؛ همچنین، تابع بردبار و همکاران (۱۴۰۰) ارتباط بین سلامت روان معلمان و کیفیت آموزش در مدارس ابتدایی را بررسی کرده‌اند.

¹ Ershadi Manesh

² Eriksson, M., & Mittelmark

³ Jenny

⁴ Wang

با وجود این پیشینه غنی، شکاف‌ها و خلاءهای پژوهشی محسوسی وجود دارد که تحقیق حاضر در صدد پرکردن آن‌هاست. نخست، اگرچه رابطه دوتایی بین خودکارآمدی و بهزیستی و نیز بین حس انسجام و بهزیستی بررسی شده (سیا مجتبی و همکاران، ۲۰۲۵)، اما مطالعات محدودی به بررسی ترکیب همزمان این سه سازه مهم در یک مدل تلفیقی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، مشخص نیست که خودکارآمدی خلاق چگونه و از چه مسیرهایی بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد. دوم، نقش میانجی حس انسجام در این رابطه به شکل نظام‌مند و در جامعه معلمان ایرانی مورد آزمون قرار نگرفته است. آیا خودکارآمدی خلاق با تقویت حس درک، کنترل و معنا در محیط کار (یعنی حس انسجام)، در نهایت بهزیستی معلمان را افزایش می‌دهد؟ این یک سؤال مکانیسمی کلیدی است (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). سوم، بسیاری از تحقیقات داخلی موجود، از روش‌های همبستگی ساده یا رگرسیون استفاده کرده‌اند که توانایی آزمون مدل‌های علی پیچیده با چندین متغیر میانجی را ندارد (دانش پایه و همکاران، ۱۴۰۲). چهارم، تمرکز بر خودکارآمدی خلاق به‌عنوان یک پیش‌بین خاص، در مقایسه با خودکارآمدی عمومی، می‌تواند بینش عملی‌تری برای طراحی مداخلات آموزشی فراهم آورد (بیابانی و گرآوند، ۲۰۲۴). این شکاف‌ها نشان می‌دهد که درک ما از دینامیک درونی روان‌شناختی که بهزیستی معلمان را شکل می‌دهد، هنوز ناقص است.

تبیین این مدل از اهمیت نظری بالایی برخوردار است. این پژوهش با تلفیق دو چارچوب نظری متمایز ولی مکمل - نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (با محوریت باورهای کارآمدی) و نظریه سلامت‌محوری آنتونووسکی (با محوریت منابع مقابله‌ای کلی) - به توسعه یک چارچوب نظری یکپارچه در حوزه روان‌شناسی مثبت‌نگر معلمان کمک می‌کند (بندورا، ۱۹۹۷؛ آنتونووسکی، ۱۹۸۷). این تلفیق نشان می‌دهد که چگونه باورهای خاص شناختی (مانند "من می‌توانم راه‌حل خلاقانه بیابم") می‌توانند یک جهت‌گیری کلی‌تر و پایدارتر نسبت به جهان (حس انسجام) را تغذیه کنند و در نهایت به شکوفایی چندبعدی (بهزیستی روان‌شناختی) بینجامند (ریف، ۱۹۸۹). همچنین، کاربرد روش‌شناختی پیشرفته مدل‌سازی معادلات ساختاری، صحت و دقت آزمون چنین مدل پیچیده‌ای را افزایش می‌دهد و نمونه‌ای برای تحقیقات آتی فراهم می‌سازد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۳).

از منظر اهمیت کاربردی، یافته‌های این تحقیق می‌تواند پیامدهای ارزشمندی برای نظام‌های آموزشی، مدیران مدارس و برنامه‌ریزان توسعه حرفه‌ای معلمان داشته باشد. اگر نقش واسطه‌ای حس انسجام تأیید شود، نشان می‌دهد که برنامه‌های حمایتی صرفاً معطوف به افزایش مهارت‌ها (برای تقویت خودکارآمدی) ممکن است کافی نباشند، بلکه باید به تقویت ادراک معلمان از ساختار، کنترل‌پذیری و معنای کار نیز توجه شود (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). این امر می‌تواند به طراحی کارگاه‌های آموزشی ترکیبی منجر شود که در آن‌ها، فنون تدریس خلاق (برای افزایش خودکارآمدی خلاق) در کنار راهبردهای مدیریت استرس، بازسازی شناختی و غنی‌سازی معنایی حرفه معلمی (برای تقویت حس انسجام) قرار گیرند (بیابانی و گرآوند، ۲۰۲۴). برای مدیران مدارس، نتایج این تحقیق بر اهمیت ایجاد محیط کاری حمایت‌گر، شفاف و معنادار تأکید دارد؛ محیطی که در آن قوانین و انتظارات واضح است (تقویت قابل درک بودن)، معلمان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده می‌شوند و منابع لازم در اختیارشان قرار می‌گیرد (تقویت قابل کنترل بودن)، و قدردانی صادقانه از نقش حیاتی آنان به عمل می‌آید (تقویت معنی‌دار بودن) (مهدی زاده و زیوری، ۲۰۲۵). در نهایت، سرمایه‌گذاری بر این مسیر، با ارتقای بهزیستی معلمان، به طور غیرمستقیم منجر به ارتقای کیفیت آموزش، کاهش فرسودگی شغلی و حفظ نیروهای متعهد و باتجربه در سیستم آموزشی خواهد شد که همگی از اهداف کلان هر نظام آموزشی هستند (ارشادی منش، ۲۰۲۵).

نوآوری تحقیق حاضر را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: اول، تبیین یک مدل نظری نوین با ترکیب سازه‌های خودکارآمدی خلاق، حس انسجام و بهزیستی روان‌شناختی در یک چارچوب علی. دوم، آزمون نقش میانجی حس انسجام به عنوان مکانیسمی که ممکن است رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی را توضیح دهد، که در مطالعات پیشین در این قالب

مورد بررسی قرار نگرفته است. سوم، تمرکز بر جامعه معلمان ایران و زمینه فرهنگی-آموزشی خاص آن، که یافته‌ها را برای سیاست‌گذاران داخلی مرتبط تر می‌سازد. چهارم، به‌کارگیری روش تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمون دقیق و جامع این مدل پیچیده، که امکان بررسی همزمان روابط مستقیم و غیرمستقیم و کنترل خطا را فراهم می‌آورد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۳). این پژوهش مسیر را برای درک عمیق‌تر از شبکه عوامل درونی محافظت‌کننده از سلامت روان معلمان هموار می‌کند و مبنایی علمی برای طراحی مداخلاتی فراهم می‌آورد که نه تنها به رفع مشکلات می‌پردازد، بلکه به تقویت توانمندی‌ها و شکوفایی حرفه‌ای معلمان کمک می‌کند.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بهبودی روانشناختی

بهبودی روانشناختی، به عنوان مفهوم محوری این پژوهش، فراتر از رویکرد سنتی سلامت روان به مثابه نبود بیماری در نظر گرفته می‌شود. ریف (۱۹۸۹) با انتقاد از مدل‌های مبتنی بر آسیب‌شناسی، چارچوب نظری جامعی تحت عنوان «مدل چندبعدی بهبود روانشناختی» ارائه نمود. این مدل بر شکوفایی و تحقق ظرفیت‌های واقعی فرد در تعامل با چالش‌های زندگی تأکید دارد. ریف شش مؤلفه به هم پیوسته را معرفی می‌کند که در مجموع، تجربه بهبود روانشناختی را شکل می‌دهند: خودمختاری (احساس استقلال و خودتعیین‌گری در افکار و اعمال)، تسلط بر محیط (توانایی مدیریت مؤثر امور زندگی و محیط اطراف و ایجاد شرایط مطلوب)، رشد شخصی (حساسیت به گسترش توانایی‌ها، بازبودن به تجربیات جدید و احساس پیشرفت مستمر)، روابط مثبت با دیگران (ظرفیت برقراری روابط عمیق، دوسویه و توأم با صمیمیت و همدلی)، هدفمندی در زندگی (داشتن اهداف و جهت‌گیری‌های معنابخش در زندگی و احساس تعلق به چیزی فراتر از خود)، و پذیرش خود (نگرش مثبت نسبت به خود و زندگی گذشته، همراه با پذیرش جنبه‌های مختلف شخصیت). (ریف، ۱۹۸۹).

در بافت حرفه معلمی، این ابعاد جلوه‌های عینی و حرفه‌ای پیدا می‌کنند. معلمی با خودمختاری بالا، در طراحی آموزشی و مدیریت کلاس احساس استقلال و اختیار می‌کند. تسلط بر محیط در وی به صورت توانایی سازماندهی مؤثر کلاس، حل تعارضات و انطباق با الزامات متنوع آموزشی ظاهر می‌شود. رشد شخصی با اشتیاق به یادگیری مادام‌العمر، تجربه‌بازی روش‌های تدریس نوین و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آموزشی عجین است (هداوند و همکاران، ۱۳۹۹). روابط مثبت در قالب ارتباطات حمایت‌گر با دانش‌آموزان، همکاران و اولیاء متبلور می‌گردد. هدفمندی به صورت درک عمیق از رسالت معلمی و احساس تأثیرگذاری بر آینده دانش‌آموزان تجلی می‌یابد. در نهایت، پذیرش خود به معنی شناخت نقاط قوت و ضعف حرفه‌ای و داشتن نگاهی واقع‌بینانه و غیرقضاوتی به عملکرد خود است. بهبود روانشناختی معلمان نه یک حالت انفعالی، بلکه یک فرآیند فعال از تعامل سازنده با الزامات چالش‌برانگیز شغلی است که با کیفیت تدریس، اشتیاق شغلی و تاب‌آوری در برابر استرس مرتبط دانسته شده است (درر، ۲۰۲۳).

خودکارآمدی خلاق

خودکارآمدی خلاق، ریشه در نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) دارد. بندورا خودکارآمدی را به عنوان «باور فرد به توانایی‌اش برای سازماندهی و اجرای دوره‌های عمل مورد نیاز برای مدیریت موقعیت‌های آینده» تعریف می‌کند. این باورها، که حوزه-خاص هستند، بر انتخاب‌ها، میزان تلاش، پشتکار در مواجهه با موانع و انعطاف‌پذیری شناختی افراد تأثیر می‌گذارند. تیرنی و فارمر (۲۰۰۲) مفهوم خودکارآمدی خلاق را به عنوان باور فرد به توانایی تولید خروجی‌های خلاقانه در یک حوزه خاص بسط دادند.

در محیط پویا و غیرقابل پیش‌بینی کلاس درس، خودکارآمدی خلاق یک منبع روان‌شناختی حیاتی برای معلمان محسوب می‌شود. معلمی با خودکارآمدی خلاق بالا، باور راسخ دارد که می‌تواند برای حل مشکلات انضباطی پیچیده، پاسخگویی به سبک‌های یادگیری متفاوت، طراحی تکالیف جذاب و معنادار، و تطبیق محتوای درسی با شرایط واقعی، راه‌حل‌های نوآورانه و مؤثری ابداع کند. این باور، به صورت یک چرخه مثبت عمل می‌نماید: باور به توانایی خلاق، جرئت تجربه کردن و خطرپذیری حساب‌شده را افزایش می‌دهد؛ تلاش‌های خلاقانه، حتی اگر گاه با شکست مواجه شوند، به تجربه‌اندوزی می‌انجامند؛ و این تجربیات، به نوبه خود، باورهای کارآمدی را تقویت می‌کنند. چنین معلمی تهدیدات را به فرصت‌هایی برای بروز ابتکار تبدیل می‌کند (تیرنی و فارمر، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند خودکارآمدی خلاق پیش‌بینی‌کننده مهمی برای درگیری در رفتارهای تدریس خلاقانه و مقابله‌سازنده با استرس‌های شغلی است. به عبارت دیگر، خودکارآمدی خلاق صرفاً یک نگرش نیست، بلکه یک نیروی محرکه برای کنش‌گری فعال و نوآورانه در عرصه تعلیم و تربیت است. (بیابانی و گراوند، ۲۰۲۴).

حس انسجام

حس انسجام، سنگ بنای نظریه سلامت‌محوری آنتونوسکی (۱۹۸۷) است. این نظریه با تغییر کانون از عوامل بیماری‌زا به منابع مقاومت، به دنبال تبیین این مسئله است که چرا برخی افراد علی‌رغم مواجهه با استرس‌های شدید، سالم باقی می‌مانند. حس انسجام یک جهت‌گیری نگرشی عمومی و پایدار است که منعکس‌کننده میزانی است که فرد محرک‌های درونی و بیرونی زندگی را قابل درک، قابل مدیریت و پرمعنا ادراک می‌کند.

- قابل درک بودن: به این احساس اشاره دارد که اطلاعات دریافتی از محیط—مانند انتظارات شغلی، رفتار دانش‌آموزان یا سیاست‌های جدید آموزشی—ساختاریافته، منظم، واضح و تا حدی قابل پیش‌بینی هستند. معلمی با این حس، درک روشنی از علل موفقیت‌ها و مشکلات خود دارد.

- قابل مدیریت بودن: به باور فرد مبنی بر در دسترس بودن منابع لازم (درونی مانند مهارت‌ها و دانش، یا بیرونی مانند حمایت همکاران و مدیران) برای مقابله با خواسته‌های محیطی دلالت دارد. چنین معلمی احساس می‌کند که قادر است بر رویدادهای شغلی تأثیر بگذارد.

- معنی‌دار بودن: عمیق‌ترین مؤلفه است و بیانگر این احساس است که چالش‌های زندگی، از جمله دشواری‌های کار معلمی، ارزش سرمایه‌گذاری انرژی، تلاش و تعهد هستند. برای معلمی با حس انسجام بالا، کار تدریس صرفاً یک شغل نیست، بلکه امری ارزشمند و معنادار است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۳).

حس انسجام بالا به معلمان این توانایی را می‌دهد که فشارهای کاری را به‌طور منسجم ارزیابی کنند، از منابع موجود به شکلی مؤثر بهره‌برداری نمایند و در مواجهه با ناملايمات، احساس درماندگی نکنند. این سازه به عنوان یک منبع مقاومت عمومی، ارزیابی اولیه از موقعیت‌های استرس‌زا را تعدیل کرده و انتخاب راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه‌تر را تسهیل می‌نماید (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶).

تلفیق نظری متغیرها

ارتباط بین این سه سازه در یک مدل یکپارچه، از تلفیق دو چارچوب نظری متمایز اما مکمل سرچشمه می‌گیرد: نظریه شناختی-اجتماعی بندورا و نظریه سلامت‌محوری آنتونوسکی. بر اساس این تلفیق، می‌توان چنین استدلال کرد که خودکارآمدی خلاق به عنوان یک باور شناختی حوزه-خاص، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت حس انسجام به عنوان یک جهت‌گیری کلی‌تر نسبت به جهان کار باشد (بیابانی و گراوند، ۲۰۲۴).

معلمی که به توانایی خلاق خود برای حل مسائل باور دارد (خودکارآمدی خلاق بالا)، احتمال بیشتری دارد که محیط کاری و چالش‌های آن را قابل درک ببیند، زیرا احساس می‌کند الگوها و علل رویدادها را می‌توان کشف و تحلیل کرد. همچنین، باوری که به منابع درونی (خلاقیت) متکی است، این احساس را تقویت می‌کند که او ابزارهای لازم را در اختیار دارد تا بر موقعیت‌ها تأثیر بگذارد، یعنی محیط را قابل مدیریت ادراک کند. مهم‌تر از همه، وقتی فرد با استفاده از خلاقیت خود بر موانع غلبه می‌کند یا فرآیند یادگیری را غنی می‌سازد، برای تلاش‌های خود معنا می‌یابد. بنابراین، خودکارآمدی خلاق می‌تواند هر سه مؤلفه حس انسجام را تغذیه کند.

به نوبه خود، حس انسجام قوی، مسیر را برای تحقق بهزیستی روانشناختی هموار می‌سازد. درک منسجم و مدیریت‌پذیر از محیط، به تسلط بر محیط و خودمختاری کمک می‌کند. احساس معنی‌دار بودن، مستقیماً با هدفمندی در زندگی و رشد شخصی گره خورده است. همچنین، فردی که استرس را به خوبی مدیریت می‌کند و برای کار خود معنا قائل است، ظرفیت بیشتری برای برقراری روابط مثبت و پذیرش خود دارد. در این میان، حس انسجام می‌تواند به عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای عمل کند: خودکارآمدی خلاق، ابتدا حس انسجام معلم را تقویت می‌کند و این حس انسجام بالا، سپس به افزایش سطوح بهزیستی روانشناختی وی منجر می‌شود. البته رابطه مستقیم خودکارآمدی خلاق بر بهزیستی نیز به لحاظ نظری محتمل است، زیرا باور به کارآمدی مستقلاً می‌تواند بر مؤلفه‌هایی مانند رشد شخصی و تسلط بر محیط تأثیر بگذارد (زی و کومن، ۲۰۱۶). این مدل نظری یک چارچوب پویا ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه منابع روان‌شناختی سطح خاص (خودکارآمدی خلاق) و سطح عمومی (حس انسجام) در تعامل با یکدیگر، به شکوفایی حرفه‌ای و شخصی معلمان (بهزیستی روانشناختی) می‌انجامند. آزمون این مدل در جامعه معلمان ایران، می‌تواند درک ما را از مکانیسم‌های درونی حفظ و ارتقای سلامت روان این قشر حیاتی عمیق‌تر سازد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات گسترده‌ای به صورت مستقل به بررسی هریک از سازه‌های اصلی این پژوهش و ارتباط دوتایی بین آنها پرداخته‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود

مطالعات داخلی و خارجی به طور فزاینده‌ای اهمیت بهزیستی روانشناختی معلمان را به عنوان یک عامل کلیدی در اثربخشی آموزشی و سلامت سیستم‌های آموزش برجسته کرده‌اند. زی و کومن (۲۰۱۶) در یک فراتحلیل نشان دادند که بهزیستی روانشناختی معلمان با کیفیت تعامل معلم-دانش‌آموز، راهبردهای تدریس مؤثر و حتی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط مثبت و معناداری دارد. در (۲۰۲۳) نیز بر نقش بهزیستی معلمان به عنوان سپری در برابر فرسودگی شغلی و عاملی برای حفظ نیروی کار باانگیزه تأکید کرده است. در داخل کشور، تحقیقاتی مانند مطالعه هداوند و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده‌اند که بهزیستی روانشناختی معلمان با اشتیاق شغلی آنان رابطه مثبت دارد. همچنین، جواهری مغانلو و همکاران (۱۴۰۴) ارتباط مستقیم سلامت روان معلمان را با کیفیت فضای کلاس و عملکرد آموزشی مورد تأیید قرار داده‌اند. این یافته‌ها همسو با نظریه ریف (۱۹۸۹)، بهزیستی را نه یک نتیجه فرعی، بلکه یک پیش‌شرط برای تدریس پایدار و اثرگذار معرفی می‌کنند.

خودکارآمدی خلاق به عنوان یک پیش‌بین مهم رفتارهای نوآورانه در محیط کار مورد توجه قرار گرفته است. تیرنی و فارمر (۲۰۰۲) در پژوهش‌های بنیادین خود نشان دادند که خودکارآمدی خلاق کارکنان، پیش‌بین قوی درگیری در رفتارهای خلاقانه و تولید راه‌حل‌های نو است. در حوزه تعلیم و تربیت، پژوهش‌ها حاکی از آن است که معلمان با خودکارآمدی خلاق بالا، بیشتر تمایل به تجربه روش‌های تدریس جدید، انطباق با شرایط دشوار کلاس و خلق محیط‌های یادگیری جذاب دارند (بیابانی و گراوند، ۲۰۲۴). از منظر سلامت روان، دارایی عمارتی و عاطفه حسنی (۱۴۰۳) ارتباط مثبت خلاقیت شغلی معلمان را با سلامت روان

آنان گزارش کرده‌اند. خودکارآمدی خلاق با تقویت احساس کنترل و کفایت، می‌تواند به عنوان یک منبع مقابله‌ای در برابر استرس‌های شغلی عمل کند.

حس انسجام به عنوان یک عامل محافظتی قوی در مشاغل پراسترس مانند معلمی شناخته شده است. مطالعات مبتنی بر نظریه آنتونوسکی به طور مستمر نشان داده‌اند که حس انسجام بالا با سطوح پایین‌تر استرس ادراک شده، فرسودگی شغلی و علائم افسردگی و اضطراب مرتبط است (باور و همکاران، ۲۰۲۰). اریکسون و میتل‌مارک (۲۰۱۶) در مرور خود بر نقش حس انسجام تأکید کرده و بیان می‌کنند که این سازه مسیر اصلی تأثیر استرس بر سلامت جسمی و روانی را تعدیل می‌نماید. در زمینه معلمی، پژوهش‌ها حاکی از آن است که معلمان با حس انسجام بالاتر، رضایت شغلی بیشتر و تعهد عاطفی قوی‌تری به حرفه خود دارند و در مواجهه با چالش‌های روزمره مدارس تاب‌آورتر عمل می‌کنند.

تحقیقات متعددی به بررسی رابطه دوتایی بین این سازه‌ها پرداخته‌اند. برای مثال، رابطه مثبت و نیرومند بین انواع خودکارآمدی (از جمله خودکارآمدی تدریس) و شاخص‌های بهزیستی و کاهش استرس در معلمان در مطالعاتی مانند تحقیق زی و کومن (۲۰۱۶) و وانگ و همکاران (۲۰۲۳) تأیید شده است. همچنین، ارتباط قوی حس انسجام با بهزیستی و سلامت روان در قشرهای مختلف شاغل به کرات گزارش شده است (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). در داخل کشور نیز محققان به بررسی بخشی از این روابط پرداخته‌اند. به عنوان مثال، دانش پایه و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به تبیین مدل بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی با میانجی‌گری سبک‌های شوخطبعی پرداختند که نشان از تلاش برای یافتن مکانیسم‌های واسطه‌ای دارد. اکبری بیدگلی (۱۴۰۰) نیز رابطه بین سلامت روان و خلاقیت شغلی معلمان را مورد تأیید قرار داد. تابع بردبار و همکاران (۱۴۰۰) نیز ارتباط سلامت روان معلمان با کیفیت آموزش را بررسی کردند.

با وجود غنای مطالعات پیشین در بررسی جداگانه یا روابط دوگانه متغیرها، خلاءهای پژوهشی محسوسی وجود دارد که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به آنهاست:

۱. فقدان مدل‌سازی یکپارچه و همزمان سه سازه کلیدی: اکثر تحقیقات موجود به بررسی رابطه دو به دوی متغیرها (مانند خودکارآمدی و بهزیستی، یا حس انسجام و سلامت روان) اکتفا کرده‌اند. مطالعات معدودی به بررسی این سه سازه مهم— خودکارآمدی خلاق، حس انسجام و بهزیستی روانشناختی— در یک مدل ساختاری واحد و پیچیده پرداخته‌اند. این شکاف مانع از درک چگونگی تعامل و تأثیر ترکیبی این عوامل بر یکدیگر شده است (سیا مجتهدی و همکاران، ۲۰۲۵).
۲. عدم آزمون نظام‌مند نقش میانجی حس انسجام: اگرچه نقش کلی حس انسجام به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده یا مستقل مورد بررسی قرار گرفته، اما بررسی آن به عنوان مکانیسم واسطه‌ای که ممکن است رابطه بین خودکارآمدی خلاق (به عنوان یک باور خاص) و بهزیستی روانشناختی (به عنوان یک پیامد چندبعدی) را توضیح دهد، در پیشینه تحقیق مربوط به معلمان مورد غفلت واقع شده است. این سؤال که آیا خودکارآمدی خلاق از طریق تقویت ادراک معلمان از منسجم بودن، قابل مدیریت بودن و معنادار بودن محیط کار (یعنی حس انسجام) به ارتقای بهزیستی آنان می‌انجامد، نیازمند آزمون تجربی مستقیم است (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶).
۳. محدودیت‌های روش‌شناختی در تحقیقات داخلی: بسیاری از پژوهش‌های داخلی مرتبط (مانند دانش پایه و همکاران، ۱۴۰۲) از روش‌های همبستگی ساده یا رگرسیون استفاده کرده‌اند که توانایی آزمون مدل‌های علی پیچیده با چندین مسیر مستقیم و غیرمستقیم را به طور همزمان ندارد. مدل‌سازی معادلات ساختاری به عنوان روشی پیشرفته‌تر، امکان آزمون دقیق‌تر چنین مدل‌هایی را فراهم می‌آورد.

۴. تمرکز بر خودکارآمدی عمومی به جای خودکارآمدی خلاق: اغلب مطالعات بر خودکارآمدی عمومی متمرکز بوده‌اند. تمرکز بر خودکارآمدی خلاق به عنوان یک پیش‌بین خاص‌تر، می‌تواند بینش‌های کاربردی‌تری برای طراحی مداخلات آموزشی معطوف به تقویت نوآوری و انطباق‌پذیری معلمان ارائه دهد (بیابانی و گرآوند، ۲۰۲۴).

۵. لزوم توجه به بافت فرهنگی - آموزشی خاص ایران: با وجود انجام برخی تحقیقات در داخل، مدل‌سازی حاضر با تأکید بر نقش میانجی حس انسجام و استفاده از روش تحلیل پیشرفته، درصدد است تا الگویی بوم‌شناختی برای جامعه معلمان ایران ارائه دهد که می‌تواند مبنای مداخلات بومی قرار گیرد.

بنابراین، پژوهش حاضر با تبیین و آزمون یک مدل ساختاری یکپارچه که در آن نقش میانجی حس انسجام در رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی معلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد، درصدد پر کردن خلاءهای فوق است. این تحقیق با تلفیق دو چارچوب نظری و به کارگیری روش‌شناسی قدرتمند، گامی در جهت تدوین الگویی علی برای فهم عوامل تعیین‌کننده بهزیستی معلمان و ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت منابع درونی آنان برمی‌دارد.

۲- روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری شامل تمامی معلمان زن متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه دو شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۲۸۵ نفر بود، که براساس جدول مورگان ۱۶۲ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود آزمودنی‌ها به پژوهش شامل خانم بودن، معلم بودن، معلم دوره متوسطه اول، مشغول به اشتغال بودن در ناحیه دو شهر سنندج، علاقه به همکاری در پژوهش بود. معیارهای خروج آزمودنی‌ها از پژوهش، ناقص پاسخ دادن پرسشنامه‌های تحقیق و همکاری نکردن در تحقیق در نظر گرفته شد. جهت برازش مدل مفهومی تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم افزار AMOS24 استفاده شد.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی^۱ (RSPWB): نسخه کوتاه (۱۸ سوالی) پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف، توسط ریف در سال (۱۹۸۹) طراحی و در سال ۲۰۱۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این نسخه، مشتمل بر ۶ عامل است. سوال‌های ۹، ۱۲ و ۱۸، عامل استقلال؛ سوال‌های ۱، ۴ و ۶، عامل تسلط بر محیط؛ سوال‌های ۷، ۱۵ و ۱۷، عامل رشد شخصی؛ سوال‌های ۳، ۱۱ و ۱۳، عامل ارتباط مثبت با دیگران؛ سوال‌های ۵، ۱۴ و ۱۶، عامل هدفمندی در زندگی و سوال‌های ۲، ۸ و ۱۰، عامل پذیرش خود را می‌سنجد. مجموع نمرات این ۶ عامل به عنوان نمره کلی بهزیستی روان‌شناختی محاسبه می‌شود. این آزمون نوعی ابزار خودسنجی است که در یک پیوستار ۶ درجه‌ای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" (یک تا شش) پاسخ داده می‌شود که نمره بالاتر، نشان دهنده بهزیستی روان‌شناختی بهتر است. از بین کل سوالات، ۱۰ سوال به صورت مستقیم و ۸ سوال به شکل معکوس نمره گذاری می‌شود (از سفیدی و فرزاد، ۲۰۱۲). همبستگی نسخه کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف با مقیاس اصلی از ۰/۷ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است (ریف و سینگر، ۲۰۱۶). ضریب پایایی این ابزار توسط ریف و کیز (۱۹۹۵)، بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ گزارش شده است و پایایی آن در مطالعه خدابخش و منصور (۱۳۹۹)، با روش بازآزمایی ۰/۸۵ بدست آمد. همچنین بررسی بیانی و کوچکی (۱۳۹۷) آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۲ و آلفای زیرمقیاس‌های آن از ۰/۷۰ تا ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند آقابابایی، و فراهانی (۱۴۰۰) همبستگی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی را با مقیاس رضایت از زندگی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و مقیاس حرمت خود روزنبرگ، مثبت و معنی دار ذکر کرده‌اند. که نشان دهنده روایی همگرایی این پرسشنامه می‌باشد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

¹ Reef Psychological well-being Questionnaire

² Ryff & Keyes

پرسشنامه خود کارآمدی خلاق (CSES): این پرسشنامه توسط لی در سال (۲۰۰۸) ساخته شده است، که دارای ۸ سوال می باشد. درجه بندی پرسش ها بر پایه مقیاس ۷ درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم نمره ۱ تا کاملاً موافقم نمره ۷ است. دامنه نمرات در این پرسشنامه بین ۷ تا ۵۶ می باشد، نمره بالا نشان دهنده خودکارآمدی خلاق بیشتر است. لی (۲۰۰۸) روایی ملاکی پرسشنامه را از طریق همبستگی با نمرات پرسشنامه بیان خلاق ۰/۶۶ و ضریب پایایی پرسشنامه را به روش الفای کرونباخ ۰/۹۲ ذکر کرده است. در ایران، اکبری بلوطبنگان و همکاران (۱۳۹۶) روایی سازی ای این پرسشنامه را براساس تحلیل عاملی اکتشافی ۴۴/۲۵ بدست آورده اند همچنین آنها بار عاملی کلیه سوال های پرسشنامه را بالای ۰/۴۰ ذکر کرده اند. آنها ضریب پایایی پرسشنامه را به روش الفای کرونباخ ۰/۸۲ ذکر کرده اند. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب الفای کرونباخ ۰/۶۷۲ بدست آمد.

پرسشنامه حس انسجام (SOC): این پرسشنامه توسط آنتونوسکی (۱۹۹۳) ساخته شد. که دارای ۲۹ سوال است که براساس مقیاس لیکرت ۷ درجه ای با گزینه های متفاوت در هر سوال از ۱ تا ۷ نمره گذاری می شود. دامنه نمرات در این پرسشنامه بین ۲۹ تا ۲۰۳ می باشد، نمره بالا نشان دهنده حس انسجام بیشتر است. این پرسشنامه حس انسجام را با سه مولفه ۱- قابل درک بودن ۲- قابل مدیریت بودن ۳- معنی دار بودن می سنجد. سازنده روایی سازی ای این پرسشنامه را مناسب ذکر کرده اند به طوری که ۳ عامل آن ۵۳/۸۰ درصد واریانس کل حس انسجام را تبیین می کرده اند. و روایی ملاکی آن را با پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف مورد بررسی قرار داده اند که همبستگی بین آنها ۰/۶۱ و مناسب گزارش شده است. آنتونوسکی (۱۹۹۳) ضریب پایایی پرسشنامه را براساس ضریب الفای کرونباخ ۰/۸۴ ذکر کرده است. در ایران علی پور و شریف (۱۳۹۱) این پرسشنامه را در بین دانشجویان هنجاریابی کرده اند، که روایی سازی ای آن را براساس تحلیل عاملی اکتشافی ۷۶/۵ درصد و ضریب اعتبار کل پرسشنامه حس انسجام و را ۰/۹۶۹ بدست آورده اند. در تحقیق حاضر ضریب پایایی پرسشنامه براساس ضریب الفای کرونباخ ۰/۸۸۵ بدست آمد.

۴- تجزیه و تحلیل نتایج

از ۱۶۲ پاسخگوی مورد بررسی سن ۱۹/۱ درصد (۳۱ نفر) کمتر از ۳۰ سال، ۲۳/۵ درصد (۳۸ نفر) ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۸/۴ درصد (۴۶ نفر) ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۹ درصد (۴۷ نفر) ۵۱ سال و بیشتر بود. میزان تحصیلات ۸ درصد (۱۳ نفر) فوق دیپلم، ۵۸ درصد (۹۴ نفر) لیسانس، ۲۷/۸ درصد (۴۵ نفر) فوق لیسانس و ۶/۲ درصد (۱۰ نفر) دکتری بود. سابقه خدمت ۱۳/۶ درصد (۲۲ نفر) کمتر از ۵ سال، ۲۳/۵ درصد (۳۸ نفر) ۶ تا ۱۰ سال، ۱۶/۷ درصد (۲۷ نفر) ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۱/۶ درصد (۳۵ نفر) ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۴/۷ درصد (۴۰ نفر) ۲۱ سال و بیشتر

جدول ۱. یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین	معنی داری
بهزیستی روانشناختی	۶۳/۰۵	۱۶/۷۶۸	۰/۷۹۶	۰/۵۷۹	۲۲	۱۲۸	۰/۰۵۴
استقلال	۱۱/۷۲	۳/۰۰۴	۰/۰۹۵	-۰/۰۷۵	۳	۱۸	۰/۲۴
تسلط بر محیط	۹/۷۰	۴/۰۷۵	۰/۲۱	-۰/۸۹۵	۳	۱۸	۰/۲۳
رشد شخصی	۱۰/۳۴	۳/۲۸۴	۰/۳۴	-۰/۳۲۱	۳	۱۸	۱/۳۸
ارتباط مثبت با دیگران	۹/۶۸	۳/۴۶۱	۰/۵۳	-۰/۴۵	۳	۱۸	۰/۰۷۱
هدفمندی در زندگی	۹/۷۵	۳/۵۷۱	۰/۲۳۸	-۰/۵۶۵	۳	۱۸	۰/۰۶۶

¹ Creativity Self-Efficacy Scale

² Sense of Coherence questionnaire

۰/۴۰۱	۱۸	۳	-۰/۸۳۲	-۰/۸۶۹	۳/۳۰۳	۹/۷۹	پذیرش خود
۰/۲۸۱	۱۹۷	۲۹	۱/۱۲۱	-۰/۳۱۵	۲۶/۴۰۷	۱۲۷/۵۴	حس انسجام
۰/۹۹۰	۷۵	۱۱	-۰/۷۰۵	-۰/۲۷۳	۱۰/۸۳۷	۴۸/۱۲	قابل درک بودن
۰/۱۳۰	۶۳	۹	-۰/۳۴۵	-۰/۳۱۶	۹/۱۷۷	۴۰/۳۷	قابل مدیریت بودن
۰/۲۱۳	۵۶	۸	-۰/۱۶۷	-۰/۰۲۳	۸/۵۸۱	۳۴/۸۱	معنی دار بودن
۰/۰۶۳	۵۶	۸	-۰/۰۷۱	-۰/۰۰۵	۸/۸۱۹	۳۴/۵۴	خودکارآمدی خلاق

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین بهزیستی روانشناختی ۰/۶۳/۰۵، حس انسجام ۱۲۷/۵۴ و خودکارآمدی خلاق ۳۴/۵۴ می‌باشد. نتایج ضرایب همبستگی بین متغیرهای برونزا و میانجی با درونزا و همچنین برونزا با میانجی در ماتریس همبستگی زیر ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱- خودکارآمدی خلاق			
۲- حس انسجام	۰/۷۳**		
۳- بهزیستی روانشناختی	۰/۴۷۴**	۰/۴۷۳**	

** معنی داری کمتر از ۰/۰۵

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین خودکارآمدی خلاق با حس انسجام رابطه مثبت و معنادار ($r=0.73$; $p<0.001$)؛ بین خودکارآمدی خلاق با بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنادار ($r=0.474$; $p<0.001$)؛ بین حس انسجام با بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنادار ($r=0.472$; $p<0.001$) وجود دارد.

از تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر ابتدا فرض‌های بهنجاری چند متغیری، خطی بودن، هم خطی چندگانه و استقلال خطاهای آزمون بررسی و تأیید شدند. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کجی و کشیدگی استفاده شد. با توجه به اینکه آماره‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش همه بین ۲- و ۲+ بودند فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود. جهت بررسی هم خطی چندگانه، از آماره تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد و برای همه متغیرها عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ و آماره تحمل بیشتر از ۰/۰۱ بود؛ بنابراین، مفروضه عدم هم خطی چندگانه رعایت شد. همچنین برای آزمون مفروضه استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار به دست آمده در این پژوهش برابر با ۱/۶۱ و چون در طیف ۵/۱ تا ۵/۲ قرار دارد بیانگر رعایت مفروضه استقلال خطاهاست. با توجه به رعایت مفروضه‌ها می‌توان برازندگی الگوی پیشنهادی را بر اساس معیارهای برازندگی ارزیابی کرد. برای ارزیابی مدل پیشنهادی این پژوهش از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس و ایموس استفاده شد. مدل ساختاری بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام در نمودار ۱ قابل مشاهده است.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار آماره X^2 برابر با ۲۰۶/۳۶ با درجه آزادی ۱۰۵ است. حاصل تقسیم کای اسکور تقسیم بر درجه آزادی ۱/۹۶ بوده و کمتر از ۵ است که بیانگر برازش عالی مدل می‌باشد. شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۸۷۳ است که نشان دهنده برازش مطلوب مدل است. شاخص نیکویی برازش تعدیل شده برابر با ۰/۸۱۵ می‌باشد که نزدیک ۰/۹۰ بوده و

¹ variance inflation factor (VIF)

² goodness of fit index (GFI)

³ adjusted goodness of fit index (AGFI)

بنابراین مدل از برازش مطلوب برخوردار است. مقدار ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد نیز $0/077$ می‌باشد که با توجه به اینکه کمتر از $0/08$ است مطلوب بوده و نشان دهنده تأیید مدل پژوهش می‌باشد. شاخص برازش هنجار شده برابر با $0/854$ ، شاخص برازندگی هنجار نشده یا توکلر-لوپس برابر با $0/897$ ، شاخص برازش تطبیقی برابر با $0/92$ و شاخص برازش نسبی^۵ برابر با $0/81$ است که همگی نشان دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش می‌باشد. با توجه به مطالب بالا و شاخصهای کمی، برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری پژوهش قابل قبول است، بنابراین می‌توان به روابط درون مدل و مقادیر ضریب رگرسیونی بین متغیرهای پنهان پرداخت. برای آزمون فرضیه از شاخص جزئی p -value استفاده شده است. شرط معنی دار بودن یک رابطه این است که مقدار این شاخص برای رابطه مورد نظر کمتر از $0/05$ باشد. بنابراین مدل ساختاری "بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام" از برازش کافی برخوردار بوده و فرضیه مبتنی بر آن، تأیید می‌شود.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل اصلاح شده

شاخص های برازش	میزان	ملاک	تفسیر
χ^2 کای اسکور	۲۰۶/۳۶	-	-
(df) درجه آزادی	۱۰۵	-	-
سطح معنی داری	۰/۰۰۱	کمتر از ۰/۰۵	
مطلق			
χ^2/df نسبت کای اسکور به درجه آزادی	۱/۹۶	کمتر از ۳	برازش مطلوب
(GFI) شاخص نیکویی برازش	۰/۸۷۳	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۸۱۵	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(RFI) شاخص برازش نسبی	۰/۸۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(IFI) شاخص برازش افزایشی	۰/۹۲۲	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(CFI) شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(TLI) شاخص توکلر-لوپس	۰/۸۹۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(NFI) شاخص برازش هنجار شده	۰/۸۵۴	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۷۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
(PNFI) شاخص برازش مقتصد هنجار شده	۰/۶۵۹	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب
(PCFI) شاخص نیکویی برازش مقتصد	۰/۷۱۱	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب
مقتصد			

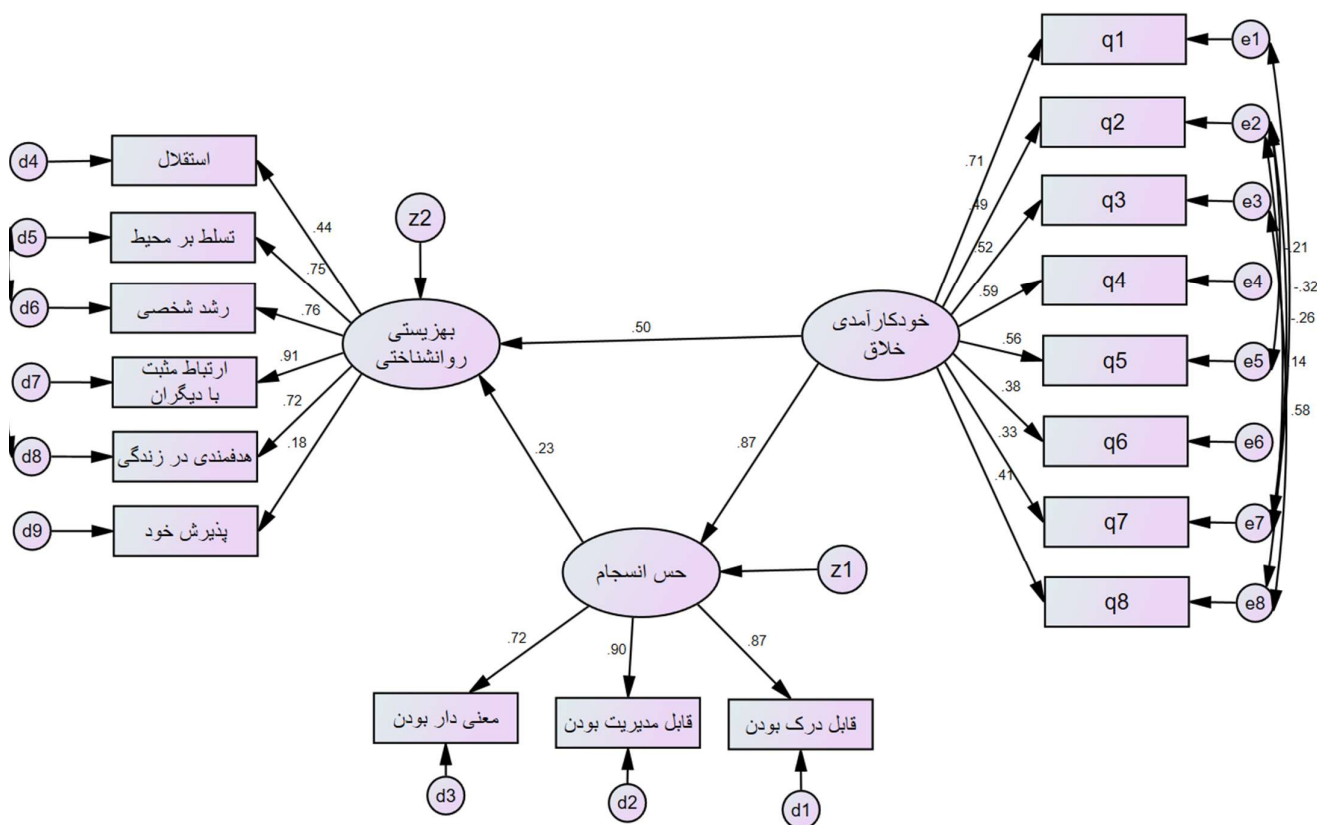
¹ root mean square error of approximation (RMSEA)

² normed fit index (NFI)

³ tucker-lewis index (TLI)

⁴ comparative fit index (CFI)

⁵ relative fit index (RFI)



نمودار ۱. الگوی نهایی بهزیستی روانشناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق با نقش میانجی حس انسجام

جدول ۴. الگوی ساختاری مسیره‌ها و ضرایب استاندارد آنها در الگوی نهایی

P	CR	R ²	β	S.E.	B	c
۰/۰۰۱	۸/۶۰	۰/۷۵	۰/۸۷	۰/۶۶۹	۵/۷۸	خودکارآمدی خلاق ← حس انسجام
۰/۰۰۱	۳/۵۶	۰/۲۵	۰/۵۰	۰/۱۴۹	۰/۵۳	خودکارآمدی خلاق ← بهزیستی روانشناختی
۰/۰۳۱	۲/۱۶	۰/۰۵۳	۰/۲۳	۰/۰۶۴	۰/۱۳۸	حس انسجام ← بهزیستی روانشناختی

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضرایب رگرسیونی در مدل معادلات ساختاری (SEM) نشان می‌دهد که بین خودکارآمدی خلاق و حس انسجام رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta = 0.87$, C.R.= 8.6, $p < 0.05$). بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta = 0.50$, C.R.= 3.56, $p < 0.05$). بین حس انسجام و بهزیستی روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد، ($\beta = 0.23$, C.R.= 2.16, $p < 0.05$). (جدول ۴).

جدول ۵. آماره آزمون بارون و کنی مربوط به نقش میانجی حس انسجام

متغیرها	اثر	برآورد	حد پایین فاصله %۹۵ اطمینان	حد بالای فاصله %۹۵ اطمینان	p- مقدار value
خودکارآمدی خلاق *	اثر میانجی میانگین (ACME)	۰/۲۹۶	۰/۱۷۸	۰/۴۳	۰/۰۰۱
	اثر مستقیم میانگین (ADE)	۰/۷۳۷	۰/۴۸۲	۰/۹۸	۰/۰۰۱
حس انسجام * بهزیستی روانشناختی	اثر کلی ^۳	۱/۰۳۳	۰/۷۶	۱/۲۸	۰/۰۰۱
	نسبت میانجی‌گری	۰/۲۸۷	۰/۱۸۵	۰/۴۲	۰/۰۰۱

* این تحلیل شامل ۱۶۲ مشاهده و ۱۰۰۰ شبیه‌سازی بوت‌استرپ برای ارزیابی معناداری اثرات بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون بارون و کنی^۴ و با زبان برنامه نویسی R نشان می‌دهد حس انسجام رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی را میانجی‌گری می‌کند ($\beta = 0.296$, $p < 0.05$). نسبت اثر میانجی‌شده نشان می‌دهد حدود ۲۸/۷ درصد از اثر کلی خودکارآمدی خلاق بر بهزیستی روانشناختی از طریق حس انسجام میانجی‌گری می‌شود. (جدول ۵).

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

این مطالعه با هدف بررسی یک مدل علی برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی معلمان بر اساس خودکارآمدی خلاق و با در نظر گرفتن نقش میانجی حس انسجام انجام شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هر چهار فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند؛ بدین صورت که خودکارآمدی خلاق رابطه مثبت و معناداری با بهزیستی روان‌شناختی معلمان دارد، با حس انسجام آنان نیز ارتباط مستقیم و مثبت نشان می‌دهد، حس انسجام به‌طور مستقیم با بهزیستی روان‌شناختی مرتبط است و در نهایت، حس انسجام در رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روان‌شناختی نقش میانجی معناداری ایفا می‌کند. این یافته‌ها که از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری و با برازش مطلوب مدل تأیید شده‌اند، درک جامع‌تری از سازوکارهای روان‌شناختی مؤثر بر سلامت مثبت معلمان ارائه می‌دهند و نیاز به واکاوی عمیق در پرتو نظریه‌های روان‌شناختی و پژوهش‌های پیشین دارند. یافته اول این پژوهش که نشان‌دهنده وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روان‌شناختی معلمان است، کاملاً با چارچوب نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) همخوانی دارد. بر اساس این نظریه، خودکارآمدی به عنوان باور فرد به توانایی‌اش برای سازمان‌دهی و اجرای دوره‌های اقدام مورد نیاز برای مدیریت موقعیت‌های آتی، یک تعیین‌کننده بنیادین در انتخاب اهداف، میزان تلاش و پشتکار در مواجهه با موانع، و در نهایت، موفقیت و بهزیستی فرد است. یک معلم با خودکارآمدی خلاق بالا، باور راسخ‌تری دارد که می‌تواند راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای چالش‌های آموزشی و تربیتی ابداع کند، روش‌های تدریس را با نیازهای متنوع دانش‌آموزان سازگار نماید و بر مشکلات پیچیده کلاس درس غلبه کند. این باورهای کارآمدی، پیامدهای هیجانی مثبتی به همراه دارد؛ چنین معلمی استرس کمتری را تجربه می‌کند، زیرا چالش‌ها را تهدیدآمیز نمی‌بیند بلکه آنها را فرصتی برای اثبات شایستگی خود می‌داند. این امر منجر به کاهش فرسودگی و افزایش رضایت شغلی می‌شود که هر دو از مؤلفه‌های مهم بهزیستی روان‌شناختی محسوب می‌گردند. علاوه بر این، موفقیت‌های ناشی از اقدامات خلاقانه (حتی کوچک) این چرخه مثبت را تقویت کرده و احساس تسلط بر محیط، رشد شخصی و تحقق هدف‌ها را افزایش می‌دهد که همگی از ابعاد کلیدی مدل بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) هستند. این یافته با پژوهش‌های داخلی که بر رابطه مثبت بین مؤلفه‌های روان‌شناختی

¹ Average Causal Mediation Effect

² Average Direct Effect

³ Total Effect

⁴ Baron & Kenny Test

مثبت‌نگر مانند خردمندی و بهزیستی معلمان تأکید داشته‌اند، همسو است (تابع بردبار و همکاران، ۱۴۰۰). مطالعه دانش‌پایه و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان داد که متغیرهای روان‌شناختی مانند خردمندی از طریق مکانیسم‌های میانجی مانند شوخطبعی سازگاران، قادر به پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی معلمان هستند که بر اهمیت باورها و نگرش‌های درونی در شکل‌دهی به تجربه حرفه‌ای معلمان صحنه می‌گذارد. بنابراین، یافته حاضر از این منظر تازه نیست، اما با تکیه بر سازه خاص "خودکارآمدی خلاق"، بر جنبه‌های کاربردی و قابل مداخله در راستای ارتقای کیفیت زندگی حرفه‌ای معلمان تمرکز دارد.

فرضیه دوم پژوهش که رابطه مستقیم و مثبت بین خودکارآمدی خلاق و حس انسجام را تأیید می‌کند، از منظر نظریه سالوتوژنز آنتونووسکی (۱۹۸۷) قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، حس انسجام یک جهت‌گیری کلی است که بازتاب‌دهنده میزانی است که فرد احساس می‌کند محرک‌های درونی و بیرونی محیط زندگی‌اش قابل درک، قابل مدیریت و پرمعنا هستند. خودکارآمدی خلاق، به ویژه در بافت پویا و چالش‌برانگیز آموزش، می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت هر سه مؤلفه حس انسجام کمک شایانی کند. از منظر مؤلفه "قابل درک بودن"، معلمی که به توانایی خود در تفکر خلاق و حل مسئله اطمینان دارد، در مواجهه با موقعیت‌های مبهم یا غیرمنتظره در کلاس (مانند یک سؤال دشوار یا یک رفتار مشکل‌ساز) احساس سردرگمی کمتری می‌کند. او این موقعیت‌ها را نه به عنوان آشفتگی‌های غیرقابل درک، بلکه به عنوان مسائلی می‌بیند که با رویکردی نظام‌مند و نوآورانه قابل تحلیل و فهم هستند (قنبری و همکاران، ۲۰۱۳). در مورد مؤلفه "قابل کنترل بودن"، خودکارآمدی خلاق مستقیماً با باور فرد به در دسترس بودن منابع لازم برای مقابله با خواسته‌های محیط پیوند می‌خورد. معلمی که خود را در خلق راهکارهای جدید کارآمد می‌داند، احساس می‌کند منبع قدرتمندی (یعنی ذهن خلاق خود) را در اختیار دارد که می‌تواند از آن برای تأثیرگذاری بر رویدادها و مدیریت مؤثر کلاس استفاده کند. این احساس کنترل درونی، اضطراب را کاهش داده و تاب‌آوری را افزایش می‌دهد. در نهایت، خودکارآمدی خلاق به مؤلفه "معنی‌دار بودن" نیز غنا می‌بخشد. وقتی معلم می‌بیند که می‌تواند با ابتکار عمل، تغییرات مثبتی در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان ایجاد کند، احساس می‌کند کارش تأثیرگذار و ارزشمند است. این احساس اثرگذاری و خلق امور جدید، به شغل تدریس معنایی عمیق‌تر می‌بخشد و سرمایه‌گذاری عاطفی و شناختی در آن را توجیه می‌کند. بنابراین، خودکارآمدی خلاق نه تنها یک مهارت، بلکه یک منبع روان‌شناختی کلیدی برای ساختن یک جهان‌بینی منسجم، قابل کنترل و معنادار از حرفه معلمی است.

یافته سوم این تحقیق مبنی بر رابطه مثبت و معنادار حس انسجام با بهزیستی روان‌شناختی معلمان، شاهدهی دیگر بر قدرت تبیین‌کنندگی نظریه سالوتوژنز در حیطه سلامت مثبت است. این نتیجه کاملاً منطبق بر مدل "دو طیف" سلامت روان است که توسط کیز مطرح شده و در منابع معتبر به آن اشاره شده است. بر اساس این مدل، فقدان بیماری روانی معادل وجود سلامت روان مثبت نیست. سلامت روان مثبت یا "شکوفایی" خود حالتی است که با احساس بهزیستی و عملکرد مثبت مشخص می‌شود. حس انسجام به عنوان هسته مرکزی نظریه سالوتوژنز، یک منبع مقاومت عمومی در برابر استرس محسوب می‌شود و مسیر دستیابی به این شکوفایی را هموار می‌سازد. معلمی که از حس انسجام بالایی برخوردار است، فشارها و استرس‌های روزمره شغلی (مانند حجم کار زیاد، انتظارات والدین، تغییرات مکرر برنامه‌ها) را به شکل منسجم‌تری ادراک می‌کند، برای مدیریت آنها احساس آمادگی و دارابودن منابع می‌کند و در نهایت، کل این فرآیند را کاری معنادار و در راستای ارزش‌های خود می‌داند. این نگرش، به طور طبیعی منجر به کاهش هیجانات منفی مانند اضطراب و افسردگی و افزایش هیجانات مثبت مانند رضایت و خرسندی می‌شود که بخشی از بهزیستی روان‌شناختی است. از سوی دیگر، حس انسجام بالا، عملکرد بهینه را در فرد تسهیل می‌کند. چنین معلمی بهتر می‌تواند بر محیط کار خود مسلط شود (تسلط بر محیط)، روابط مثبت و حمایت‌گری با همکاران و دانش‌آموزان برقرار کند (روابط مثبت با دیگران)، و در مواجهه با چالش‌ها به عنوان فرصتی برای یادگیری و توسعه شخصی بنگرد (رشد شخصی). این موارد همگی از ابعاد شش‌گانه بهزیستی روان‌شناختی در مدل ریف (۱۹۸۹) هستند. بنابراین، حس انسجام با ایجاد یک چارچوب شناختی-هیجانی سازگار، بستر لازم را برای تجربه سطوح بالاتر بهزیستی روان‌شناختی فراهم می‌آورد. این یافته با

مطالعات مروری که بر ارتباط ناگسستگی سلامت روان معلمان و کیفیت آموزش تأکید دارند نیز همخوانی دارد (کورل و وارواس، ۲۰۲۰)، زیرا بهزیستی روانشناختی معلم شرط لازم برای عملکرد آموزشی مطلوب است.

مهم‌ترین و جالب‌ترین یافته این پژوهش، تأیید فرضیه چهارم، یعنی نقش میانجی معنادار حس انسجام در رابطه بین خودکارآمدی خلاق و بهزیستی روانشناختی معلمان است. این یافته صرفاً به تأیید روابط دو به دو متغیرها نمی‌پردازد، بلکه یک الگوی علی پیچیده و پویا را آشکار می‌سازد که در آن خودکارآمدی خلاق هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم و از طریق تقویت حس انسجام، بر بهزیستی روانشناختی تأثیر می‌گذارد. این مسیر میانجی نشان می‌دهد که بخشی از تأثیر مثبت خودکارآمدی خلاق بر بهزیستی، ناشی از توانایی این سازه در ساختن و تقویت یک حس کلی منسجم، کنترل‌پذیر و معنادار از جهان حرفه‌ای معلم است. به عبارت دیگر، خودکارآمدی خلاق یک "منبع خاص" است که هنگامی که در بافت آموزشی به کار گرفته می‌شود، به ایجاد یک "منبع مقاومت عمومی" (حس انسجام) می‌انجامد و این منبع عمومی است که در نهایت شکوفایی و بهزیستی را تقویت می‌کند. این تبیین، تلفیقی هوشمندانه از نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) (که بر باورهای خاص تأکید دارد) و نظریه سالوتوژنز آنتونووسکی (۱۹۸۷) (که بر جهت‌گیری‌های کلی تأکید می‌کند) ارائه می‌دهد و غنای نظری مطالعه حاضر را افزایش می‌دهد. از منظر عملی، این مسیر میانجی حامل یک پیام مهم است: مداخلاتی که صرفاً بر افزایش مهارت‌های خلاق و خودکارآمدی خاص معلمان متمرکز هستند، ممکن است اثرات محدودی داشته باشند اگر به طور همزمان به پرورش یک چارچوب ذهنی منسجم و معناساز در آنان توجه نکنند. برای دستیابی به حداکثر تأثیر بر بهزیستی، لازم است برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، تقویت درک روشن از نقش‌ها، افزایش احساس کنترل بر کار و غنی‌سازی معنای حرفه تدریس را در کنار آموزش روش‌های خلاقانه دنبال کنند. این الگوی میانجی با الگوی مشابهی که در مطالعه دانش‌پایه و همکاران (۱۴۰۲) یافت شد هماهنگ است؛ در آن مطالعه، خردمندی از طریق سبک‌های شوخطبعی سازگاران بر بهزیستی روانشناختی معلمان تأثیر می‌گذاشت. این تشابه نشان می‌دهد که متغیرهای روانشناختی عمیق‌تر (مانند خردمندی یا خودکارآمدی خلاق) غالباً از طریق سازوکارهای واسطه‌ای مؤثر بر نگرش و تنظیم هیجان (مانند شوخطبعی یا حس انسجام) بر بهزیستی نهایی اثر می‌گذارند.

هنگامی که یافته‌های این پژوهش در بستر وسیع‌تر تحقیقات مربوط به سلامت معلمان قرار می‌گیرد، همخوانی‌ها و ارزش افزوده آن آشکارتر می‌شود. مطالعات متعدد به رابطه مستقیم سلامت روان معلمان با کیفیت تدریس، عملکرد شغلی و حتی سلامت روان دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند (قربانخوانی و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعه مروری درر (۲۰۲۳) نیز بر این نکته تأکید دارد که سلامت روانی معلمان نقشی تعیین‌کننده در فرایند تدریس و یادگیری دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر "بهزیستی روانشناختی" به جای مفاهیم سنتی‌تر سلامت روان که اغلب بر فقدان بیماری متمرکزند، گامی فراتر نهاده و بر جنبه‌های مثبت و شکوفایی ظرفیت‌های انسانی معلمان تکیه کرده است. این رویکرد با پارادایم روان‌شناسی مثبت‌نگر و نیز با تعریف جامع سازمان جهانی بهداشت از سلامت (که آن را صرفاً نبود بیماری نمی‌داند) همسوست. همچنین، تمرکز این مطالعه بر "خودکارآمدی خلاق" به عنوان یک پیش‌بین، آن را از تحقیقاتی که تنها بر ویژگی‌های شخصیتی کلی (مانند برون‌گرایی) تمرکز دارند متمایز می‌سازد. خودکارآمدی خلاق یک سازه قابل آموزش و تغییرپذیر است، در حالی که ویژگی‌های شخصیتی تا حد زیادی باثبات‌تر هستند. بنابراین، یافته‌های حاضر پایه‌های محکم‌تری برای طراحی مداخلات کاربردی در اختیار می‌گذارند. علاوه بر این، تأیید نقش میانجی "حس انسجام"، لزوم نگاه سیستمی و چندسطحی به عوامل مؤثر بر بهزیستی معلمان را خاطر نشان می‌سازد. این یافته نشان می‌دهد که بهبود شرایط کار معلمان (برای افزایش قابل درک بودن و قابل کنترل بودن) و غنی‌سازی فرهنگ مدرسه (برای افزایش معنی‌دار بودن) می‌تواند اثرات خودکارآمدی فردی را تقویت کرده و به بهزیستی پایدارتر بینجامد.

از جنبه نظری، این پژوهش سهم چندجانبه‌ای به دانش موجود می‌افزاید. نخست، با تلفیق دو چارچوب نظری متمایز اما مکمل - نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) و نظریه سالوتوژنز آنتونووسکی (۱۹۸۷) - یک مدل یکپارچه‌تر برای تبیین بهزیستی معلمان ارائه می‌دهد. این تلفیق نشان می‌دهد که چگونه منابع روانشناختی در سطوح مختلف (باورهای خاص کاری و

جهت‌گیری‌های کلی نگرشی) با یکدیگر تعامل کرده و بر نتیجه نهایی تأثیر می‌گذارند. دوم، پژوهش حاضر با تمرکز بر جامعه معلمان ایران، شواهد تجربی در حمایت از نظریه‌های مذکور را در یک بافت فرهنگی-آموزشی خاص گسترش داده و اعتبار بیرونی آنها را افزایش می‌دهد. اگرچه ماهیت اساسی این روابط ممکن است جهان‌شمول باشد، اما شدت و نحوه ظهور آنها می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی و سازمانی قرار گیرد. سوم، استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، امکان آزمون دقیق روابط مستقیم و غیرمستقیم را به طور همزمان فراهم آورده و برتری روش‌شناختی نسبت به تحلیل‌های همبستگی ساده دارد. این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا مدل‌های علی پیچیده‌تری را با در نظر گرفتن خطای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون بررسی کنند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش دارای دلالت‌های کاربردی مهمی برای متولیان آموزش و پرورش، مدیران مدارس و برنامه‌ریزان درسی است. اولاً، با توجه به نقش کلیدی خودکارآمدی خلاق، ضروری است که در برنامه‌های تربیت معلم و بازآموزی‌های ضمن خدمت، به پرورش این باور توجه ویژه‌ای شود. این امر می‌تواند از طریق کارگاه‌های حل مسئله خلاق، آموزش روش‌های تدریس فعال و نوآورانه، و ایجاد فضایی امن برای آزمایش ایده‌های جدید توسط معلمان محقق شود (بیابانی و گرآوند، ۲۰۲۴). ثانیاً، با توجه به نقش میانجی حس انسجام، مدیران مدارس باید در ایجاد محیط کاری شفاف، ساختاریافته و حمایت‌گر بکوشند. روشن بودن انتظارات، مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌ها، فراهم آوردن منابع لازم و قدردانی صادقانه از زحمات معلمان، می‌تواند حس کنترل‌پذیری و معناداری کار را در آنان افزایش دهد (اریکسون و میتل‌مارک، ۲۰۱۶). ثالثاً، از آنجا که بهزیستی روان‌شناختی معلمان مستقیماً با کیفیت تعامل آموزشی و سلامت روان دانش‌آموزان مرتبط است، سرمایه‌گذاری در برنامه‌های ارتقای بهزیستی معلمان نباید به عنوان یک هزینه، بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذاری ضروری در کیفیت نهایی خروجی‌های نظام آموزشی در نظر گرفته شود. در مجموع، این مطالعه نشان می‌دهد که ارتقای بهزیستی معلمان نیازمند یک راهبرد دووجهی است: تقویت منابع درونی فرد (مانند خودکارآمدی خلاق) و بهبود شرایط بیرونی کار (برای تقویت حس انسجام). اتخاذ چنین رویکرد جامعی می‌تواند به حفظ نیروی انسانی متعهد و کارآمد در آموزش و پرورش و در نهایت، به تحقق اهداف عالی تربیتی بینجامد.

منابع

- اکبری بلوطبنگان، افضل، رضایی، علی محمد و احراری، عمادالدین. (۱۳۹۶). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس خودکارآمدی خلاقیت در معلمان مدارس. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۹(۲)، ۸۷-۱۰۴. doi: 10.22099/jsli.2018.4731
- اکبری بیدگلی، محمدجواد، (۱۴۰۰). بررسی رابطه سلامت روان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و خلاقیت شغلی در بین معلمان مقطع ابتدایی شهرستان آران و بیدگل. الهیات و معارف اسلامی، ۳(۲)، ۷۹-۸۴. <https://hujournal.ir/fa/paper.php?pid=73>
- تابع بردبار، فریبا، کاظمی، سلطانی، و رنجبران، جبار. (۱۳۸۹). رابطه سلامت روان و عملکرد شغلی بر اساس ویژگی شخصیتی معلمان در راستای پیشنهاد یک مدل علی. روشها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۲)، ۱۳-۲۳. SID. <https://sid.ir/paper/227680/fa>
- جواهری مغانلو، ابوالفضل، مقدسی خیابوی، معصومه، امانت‌جلودار، صمد و رحیمی، سعید. (۱۴۰۴). بررسی نقش میانجی جو سازمانی مدارس در رابطه بین خودکارآمدی معلم و تدریس اثربخش در آموزگاران رهبری آموزشی کاربردی، ۶(۱)، ۹۸-۱۱۴. doi: 10.22098/acl.2024.14505.1409

دارابی عمارتی، عابدین، و حسنی، عاطفه. (۱۴۰۴). تأثیر سواد برنامه‌ریزی درسی بر تدریس خلاق معلمان با نقش میانجی خودکارآمدی تدریس. مطالعات بین‌رشته‌ای در آموزش، ۴(۳)، ۳۱-۵۲.
<https://doi.org/10.48310/ise.2025.18519.1248>

دانش پایه، مسلم، درتاج، فریبرز، صالحی، شیما و دریکوند، محمد. (۱۴۰۲). تبیین مدل بهزیستی روان‌شناختی معلمان بر اساس خردمندی با میانجی‌گری سبک‌های شوخ‌طبعی. روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۱۲(۳)، ۴۸-۶۱، ۴۸-۶۱. doi: 10.22098/jsp.2023.10464.5226.

علی‌پور، ا.، و شریف، ن. (۱۳۹۱). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه حس انسجام در دانشجویان. پژوهنده، ۱۷(۱)، ۵۶-۵۰.
https://pajoohande.sbmu.ac.ir/browse.php?a_id=1276&sid=1&slc_lang=fa

هداوند، مجید، تجلی، پرینسا، و شهریار احمدی، منصوره. (۱۳۹۹). پیش‌بینی اشتیاق شغلی، بر اساس بهزیستی روان‌شناختی و امید به زندگی در معلمان دانش‌آموزان آهسته‌گام. توانمند سازی کودکان استثنایی، ۱۱(۱)، ۶۳-۷۲.
<https://sid.ir/paper/262486/fa72-63>. SID.

References:

- Amirian, M. E., Falahi, H., Zivari Rahman, M., & Shokouhi Moghadam, S. (2014). The Relationship between Employees' Maturity and Organizational Intelligence by Offering a Model of Structural Equations. *Journal of Applied Sciences Research*, 10(7), 11-17. http://www.aensiweb.com/old/jasr/jasr_june_2014.html
- Antonovsky, A. (1987). *Unraveling the mystery of health: How people manage stress and stay well*. Jossey-Bass.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. W.H. Freeman.
- Biabani, M., & Garavand, H. (2024). Modeling of creative teaching behavior based on psychological empowerment mediated by creative self-efficacy among teachers of schools for mental retardation. *Rooyesh-e Ravanshenasi Journal*, 12(11), 181-192. <https://frooyesh.ir/article-1-4823-en.html>
- Darabi Emarati, A., Hasani, A. (2025). The effect of curriculum planning literacy on teachers' creative teaching with the mediating role of teaching self-efficacy, *Journal of Interdisciplinary Studies in Education*. 4(3), 31-52. DOI: <https://doi.org/ise.2025.18519.1248>
- Dreer, B. (2023). On the outcomes of teacher wellbeing: A systematic review of research. *Frontiers in Psychology*, 14, Article 1205179. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1205179>
- Eriksson, M., & Mittelmark, M. B. (2016). The Sense of Coherence and Its Measurement. In M. B. Mittelmark (Eds.) et. al., *The Handbook of Salutogenesis*. (pp. 97-106). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-04600-6_12
- Ershadi Manesh, S. (2025). Prediction of Creative Self-Efficacy Based on Innovative Thinking, Brain-Behavioral Systems, and the Mediating Role of Cognitive-Emotional Self-Regulation and Creative Problem-Solving in Teenage Girls in Tehran. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, 12(3), 47-54. <https://doi.org/10.22037/ijabs.v12i3.50539>
- Ghanbari, S., Zivari Rahman, M., Shokuhi, S. (2013). The impact of Islamic revolution course on promotion of study familiarity with soft war (Case study at Kerman University). *Scientific Research Journal on Islamic Revolution*, 2(5), 49-66. https://rjir.basu.ac.ir/article_342_2.html

- Ghorbankhani, M., Zivari Rahman, M., & Ghanbari, S. (2021). Studying the level of familiarity of high school students and teachers in Alborz province with soft war and non-operational defense against it and their empowerment methods. *Strategic Management Studies of National Defence Studies*, 11(43), 247-278. <https://doi.org/20.1001.1.24234621.1400.11.43.10.7>.
- Jenny, G. J., Bauer, G. F., Vinje, H. F., Vogt, K., & Torp, S. (2016). The Application of Salutogenesis to Work. In M. B. Mittelmark (Eds.) et. al., *The Handbook of Salutogenesis*. (pp. 197–210). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-04600-6_20
- Kurrle, L. M., & Warwas, J. (2025). Teacher well-being—A conceptual systematic review (2020–2023). *Education Sciences*, 15(6), 766. <https://doi.org/10.3390/educsci15060766>
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 1069-1081.
- Siahmoshtei, J., Zivari Rahman, M., & Mikaeili, N. (2025). Modeling of the mediating role of health literacy in the relationship between early maladaptive schemas and coping strategies in cancer patients. **Scientific Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research**, 22(4), 389–406. <http://sjsph.tums.ac.ir/article-1-6372-en.html>
- Tierney, P., & Farmer, S. M. (2002). Creative self-efficacy: Its potential antecedents and relationship to creative performance. *Academy of Management Journal*, 45(6), 1137–1148. <https://doi.org/10.5465/3069429>
- Wang, T., Zhang, L., Xie, Z., & Liu, J. (2023). How does mathematical modeling competency affect the creativity of middle school students? The roles of curiosity and guided inquiry teaching. *Frontiers in psychology*, 13, 1044580. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1044580>
- Zee, M., & Koomen, H. M. (2016). Teacher Self-Efficacy and Its Effects on Classroom Processes, Student Academic Adjustment, and Teacher Well-Being: A Synthesis of 40 Years of Research. *Review of Educational Research*, 86, 981-1015. <https://doi.org/10.3102/0034654315626801>
- Zivari Rahman M, Salehi K, Khodaei E, Moghadam Zadeh A, Hakimzadeh R (2024). Explaining the Role of Environmental Factors on the Scholastic Aptitude of Ninth-Grade Students. *Iranian Journal of Learning and Memory*, 6(24), 15–27. <https://doi.org/10.22034/iepa.2024.412240.1438>.
- Zivari Rahman, M. (2025). Designing an Educational Workshop on Classroom Management Techniques for Educational Affairs and Its Impact on the Classroom Management of Moral Educational Teachers. *Educational Psychology*, 21(77), 171-205. doi: 10.22054/jep.2025.84242.4139
- Zivari Rahman, M. (2025). Development and standardization of the suicide with death intent questionnaire among adolescents. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*, 15(0), 37–37. <https://jdisabilstud.org/article-1-3557-en.html>